# فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc425234372)

[محور اخلاق اجتماعی 2](#_Toc425234373)

[مفهوم اصلاح ذات البین 2](#_Toc425234374)

[رابطه ذات البین و سلامت جامعه 2](#_Toc425234375)

[اصلاح ذات البین ازنظر اسلام 3](#_Toc425234376)

[اهمیت اصلاح ذات البین 3](#_Toc425234377)

[اصلاح ذات البین ازنظر قرآن و روایات 3](#_Toc425234378)

[الف) اصلاح 3](#_Toc425234379)

[ب) شفاعت 4](#_Toc425234380)

[سه قلمرو اصلاح در قرآن 4](#_Toc425234381)

[خطبه دوم 4](#_Toc425234382)

[فرازی از خطبه امیر المومنین در توصیه به تقوا 5](#_Toc425234383)

[اهمیت پرستاری 5](#_Toc425234384)

[تزلزل خانواده در غرب 6](#_Toc425234385)

[امربه‌معروف و نهی از منکر 6](#_Toc425234386)

[مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر 6](#_Toc425234387)

[دعا 7](#_Toc425234388)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2)**» **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# محور اخلاق اجتماعی

مسئله‌ای است که در علم اخلاق اصلاح ذات‌البین نامیده می‌شود و در اصطلاح فارسی، ایجاد صلح و سازش میان افرادی که دچار اختلاف و تفرّق هستند، می‌باشد.

# مفهوم اصلاح ذات‌البین

هر فردی در جامعه اسلامی مأمور است که زمانی با اختلاف میان افراد مواجهه شد، وقتی میان دو فرد یا دو گروه دعوا، اختلاف، شقاق وجود دارد، تلاش کند این اختلاف و اشتقاق که یک ناهنجاری اجتماعی است آن را برطرف کند.

نمّامی، تفرقه‌افکنی و تلاش یک فرد برای اینکه افراد یا گروه‌ها دچار اختلاف بشوند، یک گناه و معصیت است. تلاش هر فردی در جامعه برای اینکه دو نفر را به صلح و سازش برساند، یا دو جمع و گروه را به وفاق برساند، اختلاف میان افراد را برطرف کند، یک وظیفه الهی، عبادی و مسئولیتی است که خداوند برای او ثواب‌های فراوانی مقرر کرده است.

اسلام امر وجدانی و عقلی بشر را مورد تأکید و تعیین قرار داده است. چنان چیزی که اگر اسلام هم نگفته بود، می‌فهمیدیم که دشمنی، کینه، عداوت، شقاق، نفاق و به جان یکدیگر افتادن، کاری ناپسند است. جامعه و خانواده را دچار انواع مشکلات روحی و روانی می‌کند. عداوت و شقاق که باعث فساد و منشأ حرز رفتن نیروها و از بین رفتن امکانات و دارای موارد منفی برای افراد، خانواده و جامعه است. عقل می‌داند که هر قدمی برای حل این موارد بردارد، کاری ارزشمند است.

این امر عقلی که وجدان بشر هم می‌فهمد، در قرآن کریم، روایات ائمه طاهرین، سخن پیشوایان معصوم ما مورد تائید و تأکید قرارگرفته و برای هر قدم انسانی که برای ایجاد صلح، صفا و صمیمیت برداشته می‌شود، خداوند اجر و ثواب فراوان در نظر گرفته است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «من دوست دارم وقتی‌که می‌بینم، میان پیروانم دعوا، اختلاف و شقاق، وجود دارد، پول داشته باشم از مال خود خرج کنم تا اختلاف بین دو برادر دینی رفع شود. هرچه انسان در این راه خرج کند، این از بهترین انفاق‌هاست».

# رابطه ذات‌البین و سلامت جامعه

در جامعه اسلامی هر فردی احساس کند که او نیز برای حل اختلاف افراد میان خودشان، اختلافات خانوادگی، گروهی و اختلافاتی که میان مردم است، مسئولیت دارد که از این اختلافات بکاهد و تلاش کند که اختلافات بی‌جا، شقاق بی‌فایده را از بین ببرد، جامعه به سمت سلامت سوق پیدا می‌کند.

از عوامل مخرب سلامت جامعه و شکننده هنجارهای اجتماعی، اختلافات بی‌فایده و بی‌حاصل است. اختلافاتی که وقت افراد را هدر می‌دهد، درخت کینه‌توزی را در دل‌ها ریشه‌دار می‌کند و منشأ بسیاری از ضایعات و پیام‌های نامطلوب در جامعه می‌باشد.

# اصلاح ذات‌البین ازنظر اسلام

اسلام در بخش اخلاق اجتماعی خود، بر مسئله اصلاح ذات البین تأکید دارد. البته این، مقابل نمامی و تفرقه‌افکنی است. به همان اندازه که نمامی و تفرقه‌افکنی و عمل یک فرد برای اینکه اختلاف بین افراد ایجاد کند، یک‌چیز نکوهیده، ناپسند و مذموم است، به همان اندازه تلاش هر یک از ما، برای اینکه قهرها، اختلافات را به صلح و صفا تبدیل کنیم، موردپسند و تأکید اسلام است.

یکی از رذایل اخلاقی، کارهای ضد ارزش در جامعه بشری این است که انسان تلاش کند با نمامی، سنایت و با هر قدمی بین افراد و گروه‌ها تفرقه می‌اندازد.

ارزشمندترین شاخص‌های اخلاق اجتماعی، تلاش کردن به‌وسیله عمل، بیان و اقدام خود، برای این است که قهر، کینه و عداوت را به صلح، دوستی و مهربانی تبدیل کنیم.

قرآن و روایات نیز در این زمینه تأکید کرده‌اند. ازیک‌طرف نکوهش نمامی، تفرقه‌افکنی میان افراد در جامعه و ازیک‌طرف ترغیب و تشویق انسان‌ها به ایجاد صلح، صفا، مهربانی و در کل اصلاح ذات البین است.

# اهمیت اصلاح ذات البین

نمّامی ریشه بسیاری از مسائل اجتماعی است. جامعه‌ای که فرهنگ آن بر نمّامی باشد، افراد خود را کنترل نکنند و تلاش برای تفرقه‌افکنی میان مردم کنند این جامعه روی سعادت را نمی‌بیند. جامعه‌ای موفق و سعادتمند است که افراد تلاش برای حل اختلافات کنند:

1. پیشگیری از ایجاد اختلاف

2. تبدیل قهر، کینه و عداوت به صلح، صفا و مهربانی کنند.

دروغ یکی از گناهان کبیره است. انسان خلاف واقع به دیگران بگوید، دروغ‌گویی در رده اول گناهان کبیره است.

در روایت آمده است: «دروغ گفتن برای اصلاح بین مردم جایز است»

اگر فرهنگ عمومی بر اساس اصلاح ذات البین شکل بگیرد و افراد با روش‌های درست و عقلانی بکوشند، اختلافات افراد را از بین ببرند در این صورت از بسیاری مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری کرد.

# اصلاح ذات‌البین ازنظر قرآن و روایات

دو تعبیر در قرآن ذکرشده:

1. اصلاح

2. شفاعت

# الف) اصلاح

کلمه اصلاح که اصل آن از صلاح و صلح است در قرآن به سه معنا بکار رفته است:

1. کار نیکو انجام دادن. **(وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)[[3]](#footnote-3)**

2. از بین بردن فساد در جامعه.

3. ایجاد صلح.

اصلاح: ایجاد صلح و کنار زدن عداوت و کینه‌ای که در دل‌هاست و ایجاد روحیه مهربانی و صمیمیت در دل افراد.

# ب) شفاعت

شفاعت در قرآن به دو معنا است:

1. شفاعت در قرآن کریم یک مفهوم دینی دارد، به‌عنوان شفاعتی که بزرگان، اولیای الهی در روز قیامت برای مؤمنان انجام می‌دهند.

2. شفاعت اخلاقی در دنیا، دو فردی که از هم فاصله گرفته‌اند را به هم نزدیک کند. در دل‌هایی که از هم پراکنده‌شده و تخم کینه و نفاق در آن پاشیده شده، ایجاد صلح و صفا کند.

در روایات آمده است: یکی از وظایفی که برای قاضی و حاکم مستحب است، قبل از آنکه پرونده به دادرسی برسد و بحث بینه و یمین به میان بیاید و بر اساس موازین قضایی اختلاف دو فرد، دو گروه را برطرف کند، آن‌ها را توصیه به صلح کند.

در غیر مقام قضا هم یک وظیفه عام همگانی بر دوش انسان‌هاست و به‌عنوان یک مستحب مؤکّد که در پاره‌ای از موارد برای انسان واجب می‌شود که ایجاد صلح کند.

# سه قلمرو اصلاح در قرآن

1. اصلاح بین افراد. **(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَینَ أَخَوَیکمْ)[[4]](#footnote-4)** مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود را صلح و آشتی دهید. ایجاد سازش و میانجی‌گری بین دو فردی که باهم اختلاف دارند.

2. اختلافات خانوادگی: میان زن و شوهر و اعضای خانواده تلاش کنیم برای ایجاد صلح و وفاق.

3. ایجاد صلح میان گروه‌ها و جوامع بشری.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[5]](#footnote-5)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»[[6]](#footnote-6). عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# فرازی از خطبه 187 امیر المؤمنین در توصیه به تقوا

حضرت فرمودند: **«أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أُحَذِّرُكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا دَارُ شُخُوصٍ‏ وَ مَحَلَّةُ تَنْغِيصٍ سَاكِنُهَا ظَاعِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِنٌ‏ تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مَيَدَانَ السَّفِينَةِ تَقْصِفُهَا الْعَوَاصِفُ فِي لُجَجِ الْبِحَار [[7]](#footnote-7).»** بندگان خدا شمارا به تقوا و پارسایی سفارش می‌کنم. شمارا از دنیا می‌ترسانم زیرا که دنیا جای رفتن است نه ماندن، زیرا دنیا جای غصه است. ساکنان کره خاک، مسافران به عالم ابدیت هستند و دل‌بستگان به این عالم طبیعت به‌زودی از آن جدا خواهند شد. **«سَاكِنُهَا ظَاعِنٌ وَ قَاطِنُهَا بَائِنٌ‏ تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مَيَدَانَ السَّفِينَةِ»** این جهان مادی و خاکی مانند کشتی است که در امواج طوفان دریا گرفتار آمده است. کشتی در درون امواج متلاطم سرنشینان خود را به هر سو می‌افکند و هرگونه آرامش را از سرنشینان خود می‌گیرد. این عالم مانند آن کشتی طوفان‌زده‌ای است که ساکنان خود را همواره به این‌سو و آن‌سو پرتاب می‌کند و آرامش و آسایش مطلق را از آنان می‌گیرد. **«تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مَيَدَانَ السَّفِينَةِ تَقْصِفُهَا الْعَوَاصِفُ فِي لُجَجِ الْبِحَار»** بادها و طوفان‌های سهمگین دریا، این کشتی را به هر سو می‌اندازد و در درون این کشتی ساکنانش از هر آرامشی دور هستند. **«فَمِنْهُمُ الْغَرِقُ الْوَبِقُ‏ وَ مِنْهُمُ النَّاجِي عَلَى بُطُونِ الْأَمْوَاج**‏» برخی از این طوفان‌زده‌ها و غرق‌شدگان در دریای مادیات با آن امواج طوفان به هلاکت می‌رسند و گروهی نجات پیدا می‌کنند اما اینان نیز آرام نیستند. **«تَحْفِزُهُ‏ الرِّيَاحُ بِأَذْيَالِهَا وَ تَحْمِلُهُ عَلَى أَهْوَالِهَا»** برخی در اولین فرصت در امواج سهمگین دریا و طوفان بلاهای دنیا به زمین می‌افتند و غرق می‌شوند و گروهی هم که باقی می‌مانند باد آن‌ها را به هر سو پرت می‌کند و در امواج اضطراب آن‌ها را نگه می‌دارد.

عالم جای آرامش نیست. ممکن است غفلت زدگانی بی‌توجه به انواع مخاطرات این عالم چند صباحی خود را به خواب بزنند، اما هر آن‌کسی که در عالم طبیعت هوشیار، بینا و ژرف‌نگر باشد، به‌خوبی حس می‌کند که امواج مصیبت‌ها، بلاها، غصه‌ها و گرفتاری‌ها، مثل امواج طوفان دریاست که آرامش را از انسان می‌گیرد. مگر آنکه در دل امید به خدا وجود داشته باشد که تنها آن ریسمان و آن نقطه قوّت انسان‌ها را شاداب و متوکل بر خدا نگه می‌دارد.

**«فَمَا غَرِقَ مِنْهَا فَلَيْسَ بِمُسْتَدْرَكٍ وَ مَا نَجَا مِنْهَا فَإِلَى مَهْلَك‏»**[[8]](#footnote-8) کسانی که در این طوفان دریا شکست خوردند، به آخر خط رسیدند و کسانی که نجات یافتند به‌زودی به آخر آن خط خواهند رسید. سرنوشت همه خط مرگ و پایان عالم طبیعت است.

**«عِبَادَ اللَّهِ الآن فَاعْلَمُوا»**[[9]](#footnote-9) این قصه عالم و طبیعت است. روزی پایان خط مسابقه خواهد رسید، الآن بکوشید و همین فرصت را مغتنم بشمارید. **«الْأَلْسُنُ مُطْلَقَة»** [[10]](#footnote-10)الآن که زبان‌های شما باز است و بدن‌های شما دارای صحت است بکوشید و عمل کنید که به‌زودی همه این‌ها از شما گرفته خواهد شد. به نقطه‌ای خواهید رسید که زبان، دست و پای شما در اختیارتان نیست و در قفسی قرارگرفته‌اید که عرصه عمل و کار از شما گرفته‌شده است. الآن ابزارها برای اعمال نیک و اقدام‌های خداپسند به دست شماست. **«وَ الْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ وَ الْأَبْدَانُ صَحِيحَةٌ وَ الْأَعْضَاءُ لَدْنَةٌ وَ الْمُنْقَلَبُ فَسِيحٌ وَ الْمَجَالُ عَرِيض**‏»[[11]](#footnote-11) الآن که میدان به روی شما باز است وارد شوید و کار نیک‌انجام دهید، به‌زودی این میدان بر شما تنگ خواهد شد. ابزارها از شما ستانده خواهد شد**. «قَبْلَ إِرْهَاقِ‏ الْفَوْتِ‏ وَ حُلُولِ الْمَوْتِ»**[[12]](#footnote-12) قبل از اینکه لحظه مرگ و وداع با عالم برسد، بیدار شوید.

# اهمیت پرستاری:

پرستاری به دو نوع تقسیم می‌شود:

1. پرستاری رسمی:

پرستارانی که در بیمارستان‌ها مشغول به تیمار و نگهداری از مریضان و گرفتاران هستند.

2. پرستاری غیررسمی:

در این نوع افراد در خانواده‌های خودشان نسبت به پدران و مادران، اقوام و خویشاوندان خود پرستاری انجام می‌دهند.

ارزش خانواده به این است که احساس مسئولیت و دلسوزی در کوچک و بزرگ طوری باشد که بخصوص در زمان مریضی بزرگ‌ترها، بادل و جان پرستاری کنند.

# تزلزل خانواده در غرب

مقوله خانواده در فرهنگ غرب به دلیل لجن‌زار فحشا و منکرات، دچار تزلزل شده است. از مصیبت‌های غرب، اینکه خانواده افت پیداکرده و هر جامعه‌ای که در آن مسیر حرکت کند یکی از پیامدهای آن تزلزل خانواده است.

در غرب امروز یک فرد در اوایل جوانی عیاشی می‌کند و به‌صورت یک حیوان غرایز خود را اشباع می‌کند، اما به قیمت اینکه خانواده متزلزل و پیوندهای عاطفی خانواده سست می‌شود. وقتی فرد بالای 40 سال قرار گرفت، دیگر خانواده خوبی ندارد و عواطفش اشباع نمی‌شود و از فرزندان خوب و روابط صمیمانه محروم است.

در جامعه‌شناسی غرب از مهم‌ترین مشکلات تزلزل خانواده است. این نیز از منکرات، فساد و فحشا در آنجا پدید آمده است.

اگر خانواده مستحکم باشد و پدر و مادر از ابتدا با صمیمیت و مهربانی، با اصول و قواعد دینی خانواده را پایه‌گذاری کرده باشند، فرزندان سالم و دلسوز بار می‌آیند و در سختی‌ها به کمک هم می‌آیند.

امر پرستاری هم در قسمت پرستاران رسمی که در بیمارستان‌ها هستند اهمیت دارد و هم پرستاری در درون خانواده است که می‌تواند از بروز مشکلات زیادی جلوگیری کند.

# امربه‌معروف و نهی از منکر

اگر جامعه از امربه‌معروف و نهی از منکر با روش درست فاصله بگیرد، گرفتاری‌های بزرگی ایجاد می‌شود. نباید به خاطر منازعات سیاسی، جناحی و به خاطر مسائل جانبی، ارزش‌ها و هنجارها و معیارهای مهم اخلاقی، فکری و اجتماعی را کوچک بشماریم. اگر هنجارهای فرهنگی، ارزش‌های دینی و اخلاقی را در جامعه کوچک بگیریم عواقب خطرناکی دارد که باعث بروز مشکلات وسیعی خواهد شد.

# مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر

همیشه باید مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر رعایت شود و مراتبی که اقدام عملی دارد، باید با اجازه حکومت باشد. مراتب با زبان نرم، ملایمت نباید در جامعه مجهول بشود. در جامعه هرکسی باید حس کند که با زبانی درست و شیوه‌ای صحیح، با روش علمی که می‌دانیم مؤثر است، اما نه به قیمت این‌که امربه‌معروف و نهی از منکر در جامعه مورد غفلت قرار بگیرد.

**مثال:** در اداره‌ای رشوه باشد، فردی که مطلع می‌شود باید امربه‌معروف و نهی از منکر کند. کسی که از حدود الهی تجاوز می‌کند و در برابر اذیت و آزار، خطاهای اخلاقی، مسائل اعتیاد، فحشا و منکر باید امربه‌معروف و نهی از منکر کرد و حساسیت اجتماعی وجود داشته باشد.

این حساسیت باید به روش علمی، کارشناسی و مؤثر باشد اما درعین‌حال نباید کلاً این وظیفه الهی مغفول بشود. دستگاه‌هایی که با روش‌های قانونی موظف به انجام امربه‌معروف و نهی از منکر هستند این بخش کوچکی است. فرهنگ ما باید طوری باشد که روی اعتیاد، فحشا، منکرات، خلاف و تخلف حساسیت داشته باشد و در برابر آن واکنش عقلانی و صحیح نشان دهد. در مسائل اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، فکری و اخلاقی، حساسیت‌هایی پیدا می‌شود که گاهی برای ما واکنش نشان دادن برای ما یک خلاف عادی تلقی می‌شود که نباید این‌گونه باشد.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره والعصر [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره والعصر [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره توبه، آیه 119. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نهج‌البلاغه خطبه 187. [↑](#footnote-ref-7)
8. . نهج‌البلاغه، ص 310 [↑](#footnote-ref-8)
9. . نهج‌البلاغه، ص 311 [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان [↑](#footnote-ref-11)
12. . همان [↑](#footnote-ref-12)